

حق بر محیط زیست سالم در پرتو اصول فقهی و اخلاقی*

^۱ محسن امامی قشلاق

^۲ سید محمد هاشمی

^۳ محسن محبی

^۴ ولی رستمی

چکیده

امروزه گسترش علم و فناوری و به تبع آن صنعت، علی رغم اعطای آسایش و رفاه بر انسانها، تخریب، آلودگی و آسیب و ایجاد بحران های محیط زیست را به همراه داشته است محیطی که به مثابه بستر حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، لازمه تداوم حیات هر انسان است و به عنوان بستر زندگی بشر و ابزار تکامل وی، در گفتمان فقهی و اخلاقی قابلیت معقولی جهت پژوهش در راستای صیانت از آن بعنوان حق انسان و تکلیف جامعه بشری دارد در این راستا در جهت نیل به برخورداری از محیط زیست سالم و اهمیت آن دو رویکرد وجود دارد در رویکرد اول برای طبیعت به عنوان ودیعه ای الهی ارزش ذاتی قائل شده و خود طبیعت مورد بحث است لیکن در رویکرد دوم لزوم حفظ طبیعت بعنوان ابزاری جهت استفاده نوع بشر مطرح می باشد که در این مقاله نگارندگان ضمن اعتقاد به رویکرد اول درصدد تبیین نظامنامه اخلاق محیط زیستی با تاکید بر آموزه های فقهی و اخلاقی در راستای صیانت از آن بعنوان حق بنیادین بشری می باشند.

واژگان کلیدی

اخلاق زیست محیطی - محیط زیست سالم - قواعد فقهی - اصول اخلاقی - حق بنیادین بشری.

*. این مقاله مستخرج از رساله دکتری می باشد.

۱. دانشجوی دوره دکتری تخصصی حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: m_emami63@yahoo.com

۲. استاد مدعو، گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: dr.sm.hashemi@gmail.com

۳. استادیار، عضو هیأت علمی گروه حقوق عمومی و بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: m-mohebi@srbiau.ac.ir

۴. دانشیار، عضو هیأت علمی گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
Email: vrostami@ut.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

طرح مسأله

حق بر محیط زیست سالم انعکاس ارزش های متعالی و بلند پایه ای همانند حق به سلامتی، حق به حیات، حق زندگی مطلوب می باشد و از سوی دیگر با پیش نیازهای تداوم حیات بشر و نسل های آتی ارتباط تنگاتنگ دارد. کشورهای پیشرفته دنیا پس از دوره رنسانس و هم زمان با انقلاب صنعتی به رشد علمی و فناوری در زمینه های مختلف دست یافتند و به حق روز به روز در این زمینه به پیشرفت های شگرف نائل آمدند. پیشرفت های صنعتی علاوه بر فوائد مثبت و غیر قابل انکاری که برای بشر به ارمغان آورد، توأم با مشکلاتی هم برای بشر بود؛ که می توان به برخی فجایع زیست محیطی که سبب آلودگی آب، هوا و سایر پدیده های طبیعی شد؛ اشاره نمود. همه این رویدادهای در قرون معاصر و علی الخصوص در قرن اخیر؛ سبب گردیده که توجه مسئولین و سیاست مداران از یکسو و مردم از سوی دیگر به مسأله حق برخورداری از محیط زیست سالم معطوف گردد. در کشورهای مختلف من جمله آمریکا پس از شکست در اجرای طرح های مبارزه با تخریب محیط زیست و توجهاً به لزوم همکاری متقابل نوع بشر در حفظ محیط زیست سعی گردید که با استفاده از رویکردهای اخلاقی و اسلامی از طریق اصلاح فرهنگ عمومی؛ محیط زیست بشری حفظ گردد. اخیراً در کتب محیط زیست جدید، با عناوینی همچون اخلاق و فلسفه زیست محیطی مواجه می شویم؛ چرا که مدیریت جامع و صحیح محیط زیست علاوه بر داشتن دیدگاه های فنی و مهندسی نیاز به توجهات قانونی، اجتماعی، سیاسی و البته اخلاقی دارد. از سوی دیگر دین مبین اسلام نیز همواره بر لزوم حفظ محیط زیست به عنوان موهبت الهی تأکید داشته و آیات و روایت زیادی در این خصوص وارد آمده است. لذا در این تحقیق سعی بر شناسایی اصول اخلاقی حاکم بر محیط زیست سالم و بررسی مبانی فقهی این حق با نگرشی بر قوانین در سطح ملی و بین المللی هستیم که امید است واکاوی این مبانی گامی در جهت فرهنگ حمایت از محیط زیست و رعایت حقوق زیست محیطی در راستای انسان سالم محور توسعه پایدار باشد.

۱. مبادی تصویری

۱-۱. مفهوم محیط زیست

مفهوم محیط زیست یا از علوم طبیعی نشأت می گیرد و یا از علوم معماری و شهرسازی؛ محیط زیست به مفهوم نخست آن مجموعه ای از پدیده های طبیعی و تعادل بین عناصر مؤثر در طبیعت است که حیات بیولوژیکی گیاهان و جانوران را تضمین می نماید و محیط زیست به مفهوم دوم رابطه تعاملی است که بین تأسیسات و محیطی که در آن ایجاد می شود وجود دارد. بنابراین محیط زیست برای خاک، آب و هوا (منابع طبیعی) و انواع حیوانات و گیاهان و تعادل بیولوژیک بین آنها (طبیعت) شهر و مناظر آن، به کار می رود.

۱-۱-۱. انواع محیط زیست

امروزه به جهت گستردگی مفاهیم محیط شناسی، دانشمندان و کارشناسان محیط زیست معتقدند که برای محیط زیست بطور کلی سه نوع محیط قابل تشخیص است که عبارت است از سپهر طبیعی، سپهر اجتماعی و نهایتاً سپهر مصنوع یا انسان ساخت.

۱-۱-۱-۱. محیط زیست طبیعی

«محیط زیست طبیعی به آن بخش از محیط زیست اطلاق می گردد که در تشکیل آن بشر نقشی نداشته، بلکه از موهبت های خدادادی است و شامل جنگل ها، مراتع، کوه ها، دشت ها، رودخانه ها، دریاها، باتلاق ها، چشم اندازها و ... می گردد. عوامل تشکیل دهنده ی محیط زیست طبیعی، شامل عوامل جاندار (گیاهان و جانوران) و عوامل بی جان (خاک، آب و هوا) می باشد». (قوام، ۱۳۷۵: ۵)

۱-۱-۱-۲. محیط زیست انسانی (مصنوع)

«محیط زیست انسانی یا به عبارت دیگر، محیط زیست انسان ساخت، به آن بخش از محیط زیست اطلاق می گردد که به دست بشر ساخته شده و زاینده ی تفکر و مخلوق دست آدمی می باشد و چنین تفکری ریشه در فرهنگ و تمدن جامعه یک سرزمین دارد».

۱-۱-۱-۳. محیط زیست اجتماعی

منظور از محیط زیست اجتماعی فضایی است که بشر در آن زندگی می کند و شامل اشخاص حقوقی متولی امور اجتماعی هم می شود. محیط اجتماعی از خانه آغاز می شود و گستره آن تا ملت و دولت ادامه می یابد بدین سان است که تأثیرپذیری محیط زیست از محیط اجتماعی بیشتر از تأثیرپذیری از عوامل فنی در حیطه محیط زیست است زیرا بیشتر مسائل و مشکلات فنی مثل آلودگی آب و هوا، فرسایش خاک و تخریب پوشش گیاهی همگی تا حد زیادی ناشی از پاره ای ناهنجاری های اجتماعی است. (حکیمیان، ۱۳۷۲: ۱۰۵)

۱-۴. حقوق محیط زیست

حقوق محیط زیست، شاخه ای از علم حقوق است که به مطالعه ی قواعد حقوقی موجود در زمینه ی محیط زیست طبیعی و انسانی می پردازد، که یکی از اهداف آن حفظ تعادل اکولوژیک طبیعت در رابطه با فعالیت های انسان است. بنابراین حقوق محیط زیست فعالیت های انسان ها را بر روی عناصر و محیط های طبیعی تعریف و سازمان دهی کرده و کیفیت زندگی بهتر را تضمین می نماید.

۱-۵. اخلاق محیط زیست

اخلاق محیط زیست، مشتمل بر مجموعه ای از گزاره های اخلاقی و بایسته های ارشادی در زمینه ی محیط زیست طبیعی و انسانی است که یکی از اهداف آن ایجاد رابطه ی معنوی با

طبیعت و محیط زیست انسانی و بهبود ضمانت اجرای قواعد شناسایی شده در زمینه ی محیط زیست طبیعی و انسانی در وجدان انسان هاست . امروزه ضرورت تدوین اصول اخلاق زیست محیطی که به آرمانهای اخلاقی الهی توجه داشته باشد و در عین حال توسعه و بهبود زندگی مادی را نیز دربرگیرد جدی تر از هر زمان دیگر احساس می شود .

۱-۶. حق بر محیط زیست

در خصوص حق بر محیط زیست تعریف مقبول و جامعی که مورد پذیرش همگان باشد، ارائه نشده است. این مطلب براساس اختلاف های نظری است که در خصوص این حق وجود دارد، اکثر نوشته های موجود از ارائه تعریفی مشخص برای آن اجتناب نموده اند و یا تعاریف ارائه شده نیز مواجه با برخی مناقشات نظری است. (پارسا، ۱۳۷۷:ش ۱۳۵-۱۳۲)

در کنوانسیون ها و اسناد بین المللی و متون مرتبط نیز تعریفی از حق بر محیط زیست ذکر نشده است. با وجود این مواد ۱۴ و ۱۵ پیش نویس سومین میثاق بین المللی حقوق همبستگی تا حدودی حق بر محیط زیست را تبیین نموده است:

ماده ۱۴- هر انسان و کلیه ی انسان ها به صورت گروهی حق دارند از محیط زیست سالم و متعادل از نظر زیست محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار گردند.

ماده ۱۵- دولت های عضو متعهد می گردند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی ننمایند که به سلامت انسان و همزیستی جمعی صدمه وارد کند. صدمه ای که برای توسعه ی جمعی ضروری باشد و راهی برای اجتناب از آن وجود نداشته باشد، قابل قبول محسوب می گردد. باید بررسی شود که مراد از حق بر محیط زیست چه می باشد و محتوای آن دربردارنده چه کیفیتی از محیط زیست است. (فیروزی، ۱۳۸۴: ۵۲)

برای رسیدن به یک تعریف قابل قبول باید به این مطلب توجه نمود که حق بر محیط زیست آمیزه ای از دستاوردهای دو شاخه ی اصلی حقوق بین الملل یعنی حقوق محیط زیست و حقوق بشر می باشد که بدون درک درست این حقوق ارائه تعریف مشکل می نماید. (گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹: ۱۴۷)

به صورت ساده می توان حق بر محیط زیست را این گونه تعریف نمود:

حق بر محیط زیست سالم بعنوان یکی از حق های بنیادین بشر، تضمین بخش حق بنیادی تری بنام حق حیات و حق سلامت جسم و روح می باشد به تعبیری حق بر محیط زیست حقی است که به موجب آن برخورداری از محیط زیست شایسته، سالم و امن یک حق بشری محسوب می شود که در آن تمیزی و پاکی محیط زیست هم مورد حفاظت قرار گیرد و تغییرات در محیط زیست به گونه ای نباشد که به سلامت انسان و زندگی جمعی او صدمه وارد کند.

۱-۶-۱. اجزای حق بر محیط زیست

حق بر محیط زیست دارای اجزایی است که تشکیل دهنده و قوام دهنده ی حق مزبور هستند. این اجزا عبارتند از:

۱. حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی.
۲. حق مشارکت در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی.
۳. حق بر آموزش مسایل زیست محیطی.
۴. حق دادخواهی از جمله مجازات و جبران خسارات زیست محیطی. (افتخار جهرمی، ۱۳۸۲: ۵۱).

۱-۶-۱-۱. حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی

به موجب این حق کلیه ی مؤسسات عمومی موظفند اطلاعات مربوط به حفاظت از محیط زیست و اقدامات مؤثر بر آن را در اختیار شهروندان قرار دهند. شایان ذکر است ایفای تعهدات شهروندان برای دستیابی به حق داشتن محیط زیست سالم هنگامی ممکن می گردد که از اطلاعات کافی برخوردار باشند. حق برخورداری از محیط زیست مانند سایر حقوق صرفاً حق برای شهروندان نبوده بلکه با الزامات و تکالیفی برای ایشان به صورت فردی و گروهی ملازمه دارد. (گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹: ۲۹۷)

این مطلب در ماده (۱۰) اعلامیه ریودوژانیرو در خصوص محیط زیست و اسناد مربوط به اصول راهبردی صوفیا بلغارستان و کنوانسیون بین المللی در مورد حق بر اطلاعات و مشارکت عمومی در زمینه محیط زیست مصوب ۱۹۸۸ دانمارک، مورد تأکید قرار گرفته است (فیروزی، ۱۳۸۴: ۵۹). ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۶ کنوانسیون تغییر آب و هوایی نیز بر این امر تأکید دارند.

۱-۶-۱-۲. حق مشارکت شهروندان در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی

به موجب این حق هر شخصی می تواند با رعایت مقررات به صورت فردی یا به همراه دیگران در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی مشارکت داشته باشد. این حق ناظر بر اصل مشارکت عمومی هم در تصمیم گیری ها و هم اجرای هنجارهای زیست محیطی است.

مشارکت عمومی موجب افزایش مشروعیت تصمیمات اتخاذی و کاهش سطح تعارض و چالش میان دولت و ملت، ارتقای کیفیت تصمیم گیری به دلیل ارائه ی اطلاعات عینی و مردمی به دولت و احراز منظم و واقع بینانه ی مشکلات اجتماع و علل آن ها و ارائه ی راه حل های مناسب و در نهایت هماهنگی رفتارهای دولت با اجتماع براساس بایسته های نظم عمومی می شود. (2: coenen, 2008)

همانند حق دسترسی به اطلاعات اسناد بین المللی از جمله ماده ۱۰ ریبو بر این حق تأکید دارند.

۱-۶-۳. حق بر آموزش های محیط زیستی

به موجب این حق دولت موظف به اتخاذ تدابیر لازم جهت ایجاد فرهنگ دوستی با طبیعت، حفاظت از آن و استفاده از فناوری های پاک می باشد. این آموزش و فرهنگ سازی باید در کلیه ی سطوح اعم از آموزش رسمی {مدرسه ای، دانشگاهی} و غیررسمی {آموزش برای عمومی} صورت گیرد. (افتخار جهرمی، ۱۳۸۲: ۵۲)

این حق بر همگان وجود دارد که امکان آموزش مسایل زیست محیطی برای «آن مهیا شود که با استیفای این حق، دو حق دیگر یعنی حق بر مشارکت عمومی و حق دسترسی به اطلاعات تسهیل می شود.

۱-۶-۴. حق دادخواهی و اقامه دعوا

دادخواهی زیست محیطی یکی از اجزای طبیعی حق بر محیط زیست سالم است، حقی که به همه ی شهروندان اجازه می دهد نسبت به موارد تخریب یا آلودگی محیط زیست که موجبات خسارت و ضرر شخصی و فردی مستقیم را فراهم کرده اند، به جهت نفع عمومی اقامه دعوا نمایند؛ حضور نهادهای مدنی و تشکل ها در عرصه ی مزبور جلوه ی بارزی از این دادخواهی است. (گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹: ۲۹۹)

۲. حق بر محیط زیست سالم از منظر اصول اخلاقی

علم اخلاق شاخه ای از فلسفه است که با اخلاقیات و ارزش ها سروکار دارد. اخلاق زیست محیطی نیز شاخه نسبتاً جدیدی از مباحث اخلاق فلسفی است که تعاملات انسان با محیط غیر انسانی را از منظر اخلاقی بررسی می کند. در اخلاق سنتی عموماً انسان که موجودی مختار و دارای افعال و آثاری است محور مسائل اخلاقی بوده است. لیکن تحولات اخیر و تاثیرگذاری فن آوری های جدید در تخریب سریع و ناجوانمردانه محیط زیست زمینه توجه را به جانب غیر از انسان اعم از حیوانات، کل موجودات زنده و مجموعه هایی مانند جمعیت، جوامع گیاهی، اکوسیستم ها، دریاچه ها، جویبارها و کوه ها کرده است. با این مقدمه روشن می شود که محیط زیست خود مفهومی نسبی و قیاسی است؛ از این رو آن چه مستقیماً مورد توجه اخلاق محیط زیست قرار دارد، بررسی چگونگی رابطه عوامل انسانی آگاه و خود مختار با چیزهای موجود در محیط زیست است. گفتنی است که اخلاق محیط زیست نه تنها به محیط طبیعی بلکه به محیط شهری نیز توجه دارد؛ توجه به تاثیر پذیری فیزیکی، ذهنی و روحی آدمی از طراحی و مصالح ساختمان های ساخته شده نمونه ای از این مسائل است.

عمده‌ترین مسائل اخلاق محیط زیست حول دو محور بحث می‌شوند: اول این که با عنایت به تفکیک ارزش ذاتی از ابزاری چه نوع ارزشی را برای محیط زیست قایل شویم؟ یک چیز در صورتی ذاتاً خوب است که فی نفسه ارزشمند باشد و در صورتی به لحاظ ابزاری خوب است که گرچه لزوماً از خوبی فی نفسه برخوردار نیست ولی به خوبی می‌انجامد لذا کسانی که ارزش محیط زیست را ذاتی می‌دانند بر این باورند که باید به دنبال تاسیس اصول اخلاقی جدیدی جدای از مکتب‌های رایج اخلاق سنتی بود. از نظر این گروه اصول اخلاقی سنتی به شدت انسان محور بوده و منافع محیط زیست را فدای منافع انسانی می‌کند.

در محور دوم از نحوه اندیشیدن آدمی در خصوص رابطه اش با محیط زیست بحث می‌شود؛ آیا رابطه آدمی با طبیعت باید مانند رابطه شاگرد با استاد تنظیم شود که در این صورت باید با پیروی از طبیعت روش درست رفتار کردن را از خود طبیعت بیاموزیم؟ یا این که آدمی نیز باید خود را جزیی از طبیعت و نه تافته جدا بافته از آن بداند. در این صورت نباید خود را برتر از طبیعت بداند و به بهره‌کشی از آن رو آورد.

۲-۱. مبانی تئوریک اخلاق محیط زیستی

در اخلاق محیط‌زیست سه گونه نظریه منفعت‌گرا، میثاق‌گرا و پرهیزکارانه شکل گرفته است که به تعریف هر یک می‌پردازیم:

الف: نظریه ای که تصمیمش به باید یا نباید در انجام یک عمل، بر مبنای پی آمدهای آن بر رفاه مردمی که تحت تأثیر آن عمل قرار می‌گیرند مبتنی است، یک نظریه منفعت‌گرا محسوب می‌شود.

ب: نظریه ای که تعریفش از اخلاق، مبنای حقوق و وظایفی است که موجود اجتماعی آزادانه و از طریق توافق متقابل در پیش می‌گیرد، یک نظریه میثاق‌گرا است.

ج: اخلاق پرهیزکارانه نیز نظریه ای است که هر عمل را زمانی به لحاظ اخلاقی موجه می‌داند که پرهیزگاران خدا باور، به آن دست زنند. (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸: ۱۹۷).

پرسش اساسی، پیرامون ارزشی است که می‌باید به محیط‌طبیعی نسبت داد، بدین معنا که چیزهایی به غیرانسان، اعم از زنده و بی‌جان، آیا ارزش نهادن بر آن‌ها و مراقب بودن در برخورد با آنان فقط به خاطر آن است که به جهات متعدد برای ما مفیدند، یا این که تمام و یا بعضی از آن‌ها ارزش‌های مستقل و فراتر از منافع انسانی نیز دارند؟

در برابر این پرسش بنیادین دو پاسخ شکل گرفته است:

۱. برخی از فلاسفه عقیده دارند آن چیزهایی در طبیعت ارزشمند است که در نهایت با منافع انسان تعریف شود. بر اساس این دیدگاه اخلاق محیط زیست، نیازمند یک مفهوم ارزشی به عنوان کیفیتی مستقل از قضاوت، سلیقه و منفعت بشری نیست، بلکه تابع سودمندی و

ارزش‌گذاری انسان است می‌دانند؛ ولی در این صورت پرسش مهم و اجتناب‌ناپذیر ارزش ذاتی و ارزش ابزاری مطرح می‌شود. زیرا عبارت ارزش ذاتی و ارزش ابزاری مرتباً در نوشته‌های مربوط به اخلاق محیط‌زیست به کار می‌رود. که در ذیل به تعریف هر کدام از دیدگاه‌های ارزش ذاتی و ابزاری محیط زیست پرداخته می‌شود:

الف) ارزش ذاتی محیط زیست: منظور از ارزش ذاتی محیط‌زیست این است که ارزشی که به او نسبت می‌دهیم به خاطر سودمندی‌اش برای انسان نیست، بلکه به خودی‌خود واجد ارزش است. بدان معنا که ارزش محیط‌زیست مستقل از موجودیت موجود ارزش‌گذار، یعنی انسان باشد. آرنه ناس، در تحلیل ارزش ذاتی و اقسام آن معتقد به دو برداشت از این مفهوم است. نخست ارزش ذاتی که ممکن است تجربیدی بوده و شی را با «ارزشی که چگونه هست» (Une en elle-meme valeur) و خارج از هرگونه عنوان سلبی و مقایسه‌ای، ارزشمند نماید و دیگر؛ ارزشی که در سلب مفهوم نسبت به مالک یا اشیاء مشابه ارزش‌گذاری می‌شود (بری، ۱۳۸۰: ۳۰۳).

ب) ارزش ابزاری محیط‌زیست: برخلاف ارزش ذاتی، به این معناست که وقتی چیزی ارزش ابزاری دارد که ارزش و بهای خود را در انتساب به هدف یا موجود دیگری می‌گیرد. در این برداشت ارزش هر شی متغیر و کاملاً وابسته به موجود ارزش‌گذار است. (بنون، ۱۳۸۲: ۲۶۷).

۲-۱- ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در حوزه محیط زیست

تیلور در اثر مشهور خود تحت عنوان احترام به طبیعت برای بیان ارزش ذاتی می‌گوید: هر کس از گل، درخت یا درختچه‌ای مراقبت نموده باشد، ارزش آن را می‌داند (حسینی، ۱۳۸۷: ۸۷) در حوزه محیط‌زیست این مساله به چالش کشیده می‌شود که آیا عناصر طبیعت فی‌نفسه دارای ارزش ذاتی و مستقل هستند یا از آن جهت ارزشمندند که انسان برای آنها ارزش قایل گردیده‌است. سود و زیان را آیا صرفاً می‌توان برای هویت‌های انسانی به کار برد یا می‌توان آن را به گونه‌ای ویژه و فارغ از همه معیارهای اقتصادی حاکم بر جوامع انسانی که تابعی از اقتصاد بازار است. به گیاهان و جانوران نیز تعمیم داد. تیلور معتقد است که، هیچ موجود زنده‌ای ذاتاً پست‌تر یا برتر از دیگری نیست و تنها این تمایز هنگامی آشکار می‌شود که ما آنها را به منافع انسانی گره می‌زنیم. در کنار رویکردهای متعددی که در حوزه محیط‌زیست مطرح گردیده است دو نوع رویکرد در تحلیل فلسفه محیط‌زیست غالب است: نخست رویکرد انسان محور که طبیعت و محیط زیست را به منافع انسانی پیوند می‌زند و غالباً طبیعت، ارزش ابزاری دارد و دیگر رویکرد طبیعت محور که با نقد الگوی نخست برای طبیعت و عناصر آن ارزشی مستقل قایل است.

الف) رویکرد طبیعت محور

اگر در رویکرد انسان محور طبیعت عنصری وابسته و تبعی محسوب می‌شود و در نهایت به منافع انسانی گره می‌خورد، در این رویکرد طبیعت و محیط زیست ارزش ذاتی دارد. در این رویکرد به هیچ وجه انسان و مسایل و منافع مادی وی مطرح نیست. بلکه طبیعت، فی‌نفسه و به

خودی خود ارزشمند است. این رویکرد ما را فارغ از مضار یا منافع آن و می‌دارد که هر دو حوزه محیط‌زیست طبیعی و انسانی را حفاظت نموده و ارج نهیم. در تئوری‌های غیرانسان‌محور در زمینه ارزش ذاتی طبیعت دو جریان فلسفی متفاوت قابل توجه است که نخستین آن مربوط به نظریه عینی تیلور و دیگری نظریه ذهنی هلمز رولستون سوم است.

نظریه نخست که، بیشتر برخاسته از رویکرد کانتی از مساله ارزش در محیط‌زیست است. معتقد است که مطابق قواعدی جهان‌شمول و انسانی آدمی باید اخلاقاً به طبیعت احترام بگذارد. در مقابل در برداشت ذهنی، طبیعت دارای ارزشی مستقل از فعالیت‌های انسانی است. در این برداشت ما غالباً از عنوان ارزش درونی اخلاقی به جای ارزش ذاتی صحبت می‌نماییم. این برداشت به دلیل تناقض‌های موجود در نظریه و نزدیکی آن با بنیان‌های نظری انسان‌محور مورد انتقاد قرار گرفته است. دسته دیگری از متفکرانی که بر رویکرد طبیعت‌محور تأکید دارند، معتقدند که اخلاق صرفاً تنظیم رابطه انسان با انسان و یا با خدا نیست بلکه این رابطه باید به فراتر از انسان نیز گسترش یابد، این رابطه باید به رابطه اخلاقی جهان طبیعی غیر بشری نیز پیوند بخورد.

ب) رویکرد انسان‌محور

در این رویکرد هدف از محیط‌زیست نه برای محیط‌زیست بلکه در واقع حمایت از انسان و منافع انسانی است. این شخص انسان است که ارزش دارد و تنها علایق یا اهداف انسانی هستند که موضوع داوری اخلاقی قرار می‌گیرند. در این رویکرد برداشتی ابزاری از مساله محیط‌زیست قوی است به گونه‌ای که حمایت، پاکسازی و بهبود محیط زیست انسانی از اولویت اساسی نیز برخوردار است (لوپی، ۱۳۸۴: ۱۰۲) امری که آلن آن را انسان‌محوری ابزاری می‌نامد. این رویکرد در حفاظت از محیط‌زیست به دنبال این است که صرفاً انسان بتواند در یک محیط سالم رشد کند و محیط او در برابر آلودگی‌ها، آفات، خسارت‌ها و آسیب‌ها حفظ گردد. «ریچارد روتلی» (۱۹۹۶-۱۹۳۶) به دنبال طرح مفهوم «آخرین انسان»، انسان محوری را در تفکر فلسفی غرب شووینیسم انسانی می‌نامد و نیاز به شکل‌گیری اخلاقی جدید را متذکر می‌گردد (سراج الدین، ۱۳۷۹: ۸۱).

۳. حق بر محیط زیست سالم و ضمانت‌های اجرای آن بر مبنای قواعد فقهی

۳-۱. قاعده لاضرر

بر اساس قاعده لاضرر، احکام موضوعه نباید به ضرر و ضرار منجر گردد. ضرر و زیان عبارت است از نقص بر جان، مال، حیثیت یا حقی از حقوق انسان که به طور مستقیم یا غیر مستقیم وارد آید و سبب دشواری و زیان بر او گردد.

این قاعده که مبین مفاد حدیث لا ضرر است می‌گوید: در اسلام از طرف شارع هیچ حکم ضرری وضع نگردیده است. بر این اساس ضرر زدن به دیگران نیز جایز نیست. لذا آلوده ساختن محیط زیست و تخریب و نابود کردن طبیعت و منابع طبیعی از روشن‌ترین نمونه‌های زیان زدن

به دیگران (عموم و خصوص مردم) است که اسلام با قاطعیت آن را مردود شمرده است و از آن‌جا که ضرر به محیط زیست (حیات و مال شهروندان) نیز می‌تواند از مصادیق این حکم باشد به دلالت این قاعده می‌توان ضمان قهری صدمه زندگان به محیط زیست را از طریق نفی ضرر غیرمتدارک و ملازمه ضرر با جبران و همچنین استفاده از شمول احکام عدمی، مورد مذاقه قرار داد. مرحوم مراغی سعی کرده است از طریق این حدیث مسئولیت مدنی را به اثبات برساند. در نظر ایشان روایات لا ضرر یک حکم دستوری را بیان کرده و دلالت بر نهی می‌کند؛ بنابراین اگر در خارج، ضرری واقع شود تنها حکم به صرف اضرار کفایت نمی‌کند، بلکه باید راهی برای دفع ضرر ارائه داد. (الحسینی المراغی، ۱۴۱۷: ۱۱۳) فاضل تونی در این زمینه آورده است: «... اگر انسانی، حیوانی را حبس کند تا بچه آن بمیرد در این مورد نمی‌توان به اصل برائت استناد نمود. بلکه اینگونه موارد در روایت «لا ضرر ولا ضرار فی السلام» وارد می‌شود.» (فاضل تونی، ۱۴۱۲: ۱۹۳-۱۹۴)

خلاصه این که مبنای مسئولیت مدنی در فقه بر اساس قاعده لا ضرر استوار است و شارع اسلامی راضی به عدم جبران ضرر نبوده است و می‌توان چنین مسئولیتی را مسئولیت مطلق نامید، از آن باب که تا زمانی که بتوان بر اساس قاعده اتلاف زیان وارده را مطالبه نمود به این قاعده تمسک می‌شود و در صورت عدم صدق اسناد به خاطر وجود واسطه‌هایی در ورود ضرر، سراغ قاعده لا ضرر می‌رویم و اگر در برخی موارد از تسبیب سخنی گفته شده است، این بیان به معنی اعتقاد به مبنای تقصیر نیست، بلکه به خاطر کشف رابطه اسناد از تسبیب سخن گفته شده است، بنابراین محتوای قواعد فقهی حاکی از مسئولیت مطلق یا عینی برای عامل زیان می‌باشد. اما در خصوص موضوع بحث ما «حق بر محیط زیست»، قدر متیقن این است که براساس همه ی مبانی موجود در مفاد «لا ضرر و لا ضرار» این موضوع در قلمرو قاعده قرار دارد. قاعده لا ضرر در تعالیم اسلام از قلمرو بسیار وسیع و گسترده ای برخوردار است و تمام زوایای زندگی بشر را در بر می‌گیرد. بدون هیچ تردیدی تخریب محیط زیست و آسیب رساندن به زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها از جمله موارد ضرر است؛ به این معنا که انسان نمی‌تواند به دلیل بهره برداری افراطی از طبیعت به دیگران ضرر و زیان وارد کند. اگر بهره برداری و استفاده بی رویه از طبیعت موجب ضرر به خود و یا اضرار به دیگران گردد، از نظر اسلام مردود است، به سبب این که در اسلام «ضرر و ضرار» وجود ندارد.

خاستگاه این قاعده مهم فقهی، عقل و سیره عقلا است و در کتاب و سنت بر آن تأکید شده است. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، جلد ۱۱: ۲۹) اضرار وارد بر محیط زیست، از سنخ ضررهای عمومی است که حیات نوع بشر را در معرض آسیب جدی قرار می‌دهند.

یکی از نکات مورد بحث پیرامون قاعده لا ضرر، شمول این قاعده بر عدمیات است. بدین معنا که هر گاه از فقدان یک امر وجودی ضرر پدید آید می‌توان با تمسک به این قاعده آن ضرر

را منتفی کرد. (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴: ۲۹۰) از این رو، قاعده لاضرر نه تنها خسارت های ناشی از اقدام های تخریبی را بر می دارد بلکه ترک اقدام های اصلاحی و سازنده اگر به اضرار در محیط زیست منجر شود، این قاعده با آن مقابله خواهد کرد. در نتیجه قاعده لاضرر نه تنها مانع از اضرار به محیط زیست می شود بلکه ضمان خسارت های ناشی از هر گونه ترک اقدام اصلاحی را هم بر عهده خسارت زننده قرار می دهد.

۳-۲. قاعده اتلاف

براساس این قاعده هر کس به تخریب و اتلاف اموال دیگران، اعم از اموال خصوصی و عمومی اقدام کند، مسؤول جبران خسارت است. فقهای عظام تأکید نموده اند عنصر عمد و قصد در صدق معنای اتلاف دخیل نیست و اگر منشأ اتلاف غیر آگاهانه و اشتباهی هم باشد، مشمول قاعده می شود. (حسینی سیستانی، ۱۴۱۴: ۷۵)

البته هر گونه اتلاف عمدی و آگاهانه موجب پیگرد قانونی و ثبوت مجازات تعزیری برای متخلف است. از آن جا که موضوع قاعده اتلاف مال غیر می باشد، شایسته است در خصوص مالیت و مالکیت منابع محیط زیست مطلبی بیان شود. فقیهان هر آن چه را که برای تأمین نیازمندی های مردم مطلوب باشد و در امر معاش آن ها دخیل شود مال نامیده اند و این تعریف بر همه عناصر محیط زیست، حتی خاک و هوای موجود صدق می کند. (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۳۰).

اگر چه براساس حق بر محیط زیست، محیط زیست یک حق بشری محسوب می شود ولی این مطلب به این معنا نیست که حق اتلاف و تخریب محیط زیست را هم داشته باشد بلکه باید از محیط زیست به عنوان یک امانت الهی حفاظت و حمایت به عمل آورد. نظریه اتلاف می تواند در مصادیق زیست محیطی و جبران خسارت وارده بر آن نقش مناسب و پررنگی ایفا نماید. بر این اساس، هر کس محیط زیست را تخریب نماید در برابر آن ضامن است، از جمله در مواردی که محیط زیست متعلق به مردم باشد {مشارکت عمومی و انفال} چون در اتلاف، قصد شرط نیست، بر این اساس مبنای مطلوب و ساده تری برای عاملین خسارت به محیط زیست می باشد. (فهمی و مشهدی، ۱۳۹۳: ۸۹)

۳-۳. قاعده تسبیب

براساس قاعده تسبیب هر اقدامی که به طور غیر مباشر موجب تخریب و آلودگی عناصر محیط زیست شود ضمان آور خواهد بود. نکته قابل توجه این که قاعده نقش های تسبیبی ناشی از ترک فعل را هم در بر می گیرد (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۱۲۰) سبب چیزی است که از وجودش وجود دیگری لازم نیاید ولی از عدمش عدم دیگری لازم می آید.

تفاوت میان اتلاف و تسبیب این است که اولاً، در اتلاف مستقیماً یا مباشرتاً خسارت متوجه زیان دیده می شود. ثانیاً، در اتلاف همیشه انجام یک فعل باعث ایجاد خسارت می شود یعنی ترک فعل از مصادیق اتلاف نیست اما در تسبیب هم فعل و هم ترک فعل موجب مسؤولیت

است. ثالثاً، در تسبیب تعدی و تفریط هم لازم است اما در اتلاف تعدی شرط نیست. براساس قاعده تسبیب اگر عدم اقدام به موقع اشخاص یا نهادهای مسؤول سبب خسارت های زیست محیطی و از بین رفتن ذخایر محیط زیست شود به حکم این قاعده، مسؤولیت جبران خسارت بر عهده مسبب خواهد بود.

در تعالیم اسلامی براساس قاعده تسبیب، شخصی که از طبیعت به عنوان حق انسانی بهره مند می گردد، حق ندارد به واسطه ی فعل یا ترک فعل خود سبب خسارت به طبیعت شود. هر چند، این نظریه برای جبران کامل، سریع و مناسب خسارات حوزه محیط زیست مناسب نیست، چرا که در غالب موارد مرتبط با خسارات زیست محیطی اثبات رابطه سببیت با دشواری های بسیاری رو به رو خواهد شد. (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۳: ۸۹).

۳-۴. قاعده احترام اموال

این قاعده که ریشه در آموزه های فقهی دارد برآمده از روایت مشهور « حرمة مال المسلم كحرمة دمه » است. رسول خدا در روایتی فرمودند: ناسزا گویی به مومن، گناه، کشتن وی کفر و غیبت او از معاصی و احترام مال او چون احترام خون اوست (موسوی الخویی ۱۴۱۷ ج ۳: ۹۰). لازمه احترام اموال این است که اولاً خسارتی وارد نشود و ثانیاً نباید این مال به هدر رود. این روایت دلالت بر احترام مال مسلمان و در نتیجه دلالت بر حرمت تکلیفی و وضعی و ضمان ناشی از آن دارد. بنابراین شاکله کلی نظریه احترام اموال بر این مبنا استوار است که اموال افراد مانند خون آنان محترم است و کسی حق زیان به آن را نداشته و نتیجه آن ضمان است. نظریه احترام اموال به دنیا توسعه « مسؤولیت حداکثری حفاظت از محیط زیست » است. در واقع این نظریه مکمل نظریات فرض تقصیر، اتلاف و مسؤولیت مطلق است و به عنوان نظریه ای رقیب در برابر نظریه مبتنی بر تقصیر قرار می گیرد. بر اساس مبنای پذیرفته شده، در این نظریه اصولاً عناصر و مواهب زیست محیطی « مال » (اعم از عمومی و خصوصی) محسوب می شوند و باید احترام آنها در مفهوم حقوقی آن مراعات شود. بر این اساس از بین بردن اموال زیست محیطی ضمان آور است. بدین صورت که مبنای اولیه این است که در فرضی که تلف مستقیماً به فاعل اسناد داده می شود، مورد مشمول قاعده اتلاف بوده و مسؤولیت مستقر است. و در فرضی که اثبات رابطه سببیت مواجه با مقدمات و واسطه های بعید و با دشواری مواجه شود (اتلاف غیر مستقیم)، مورد تابع احترام اموال زیست محیطی بوده و باید جبران گردد. البته در اتلاف غیر مستقیم هرگاه اسناد عرفی در خسارات زیست محیطی وجود داشته باشد قاعده اتلاف جاری است و هرگاه اسناد عرفی نیز بعید باشد به ناچار باید به دلیل وضعیت ویژه خسارات زیست محیطی و اهمیت آنها در حیات انسانی جبران صورت پذیرد. بنابراین در جایی که عنوان قاعده اتلاف صادق است طبق قاعده اتلاف عمل می شود و در غیر این صورت برای جبران زیان سراغ قاعده لاضرر می رویم که ترکیب این دو قاعده (نظریه احترام اموال) را صورتبندی می کند ».

نظریه احترام اموال که جامع دو نظریه اتلاف و لاضرر است از طرف بعضی از بزرگان و فقها نیز مورد قبول واقع شده است (نجفی ج ۳۷: ۵۴ و ج ۴۳: ۱۲۱). در نهایت باید اشاره نمود که نظریه احترام اموال در موضوع خسارت زیست محیطی راهگشا است و اعم از قاعده لاضرر و اتلاف بوده، سازگار با مسئولیت عینی و بیشتر با مبانی فقه پویا در حمایت حداکثری از محیط زیست سازگاری دارد. (فهیمی، مشهدی، ۱۳۹۰، ش ۱: ۳۲۳-۳۲۴)

نتیجه گیری

مشکلات گسترده و روزافزون محیط زیست، ساماندهی محیط زیست را با چالش های بسیاری مواجه ساخته است در این میان گام اول، همان تغییری است که در درک ما از محیط طبیعی و نقش و مسؤولیت ما نسبت به آن پدید آمده است. گام دوم این عرضه؛ زمانی برداشته می شود که ارزش های اخلاقی مربوط به محیط زیست فراگیر و جهانی شود و از سوی همه جوامع و مکاتب پذیرفته و رعایت شوند و گرنه پیامدهای اعمال ضد اخلاقی در مورد محیط زیست دامن همه انسان ها و جوامع را خواهد گرفت و پیامدهای خطرناک خود را متوجه همه انسان ها بلکه همه موجودات زنده خواهد ساخت. وظیفه اخلاق زیست محیطی، تعیین اصول و معیارهایی است که بر روابط انسان با طبیعت به منظور ممانعت از آسیب رساندن به طبیعت و حفاظت از آن، حاکم باشند این اصول با ایجاد بازدارنده های درونی اخلاقی، به دنبال تصحیح رفتار نادرست انسان با طبیعت هستند. در این راستا فقه اسلامی نیز محیط زیست را دارای حیات و ارزش های ذاتی می داند از این رو قواعدی را درباره نحوه برخورد با محیط زیست تأسیس کرده و انسان را در برابر آن مسئول دانسته و توصیه می کند که انسان با محیط زیست برخورد مسئولانه داشته باشد و ارزش ذاتی آن را به رسمیت بشناسد. لذا پیشنهاد می شود برای پژوهش پیرامون مبانی فقهی و اخلاق محیط زیستی بیش از هر چیز، به شناخت انسان و پرداختن به باورها و ارزش های اخلاقی در زمینه خاص فرهنگی جوامع نیاز است. به همین دلیل، می باید علاوه بر شناخت ارزش ها و باورهای محیط زیستی سایر جوامع، با بهره گیری از مبانی فقهی و منابع موجود در سنت و فرهنگ بومی خود، به تدوین و تبیین نظام نامه اخلاق محیط زیستی همت گماشت و توجه داشت که اخلاق محیط زیستی به دلیل تفسیر در فناوری، اقتصاد، سیاست و همچنین وسعت، چند رشته ای و چندگانه بودن و برخورداری از ویژگی زیست منطقه گرایی متحرک و پویا است و به همین دلیل، نیاز است تا پژوهش پیرامون اخلاق محیط زیست و مبانی فقهی آن با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی جامعه، بصورت مستمر و پیرا رشته ای انجام شود و در انجام آن حفظ هویت تاریخی و دینی به عنوان یک معیار مهم مد نظر قرار گیرد.

فهرست منابع

۱. الحسینی المراغی، میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ ه‍.ق). العناوین الفقهیه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲. افتخار جهرمی، گودرز، (۱۳۸۲)، حق بر محیط زیست با تاکید بر حق دسترسی بر اطلاعات زیست محیطی، تهران، نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران.
۳. بجنوردی، محمدحسن، (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقهیه، قم، نشرالهادی.
۴. بری، جان، (۱۳۸۰)، محیط زیست و نظریه اجتماعی، ترجمه حسن پویان و نیره توکلی، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، جلد اول.
۵. بنون، جان، (۱۳۸۲)، اخلاق محیط زیست: مقدمات و مقالات، ترجمه: عبدالحسین وهاب زاده، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۶. پارسا، علیرضا، (۱۳۷۷)، محیط زیست و حقوق بشر، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۳۵، ۱۳۳ - ۱۳۶.
۷. حسینی، سادات، (۱۳۸۷)، اخلاق زیست محیطی، کارشناسی ارشد فلسفه غرب، روزنامه جوان.
۸. حسینی سیستانی، سید علی، (۱۴۱۴ق)، قاعده لاضرر و لاضرار، قم، مکتبه آیت الله سیستانی.
۹. حکیمیان، امیرحسین، (۱۳۷۲)، مبارزه با فقر در قالب استراتژی ملی حفاظت از محیط زیست و توسعه، تهران، مجله محیط زیست.
۱۰. سراج الدین، اسماعیل و پارت ریچارد، (۱۳۷۹)، اخلاقیات و ارزشهای معنوی در خدمت ارتقای توسعه پایدار براساس محیط زیست، ترجمه احمد رضا اشرف العقلایی، تهران، نشر حفاظت محیط زیست.
۱۱. فاضل تونی، عبدالله بن محمد (۱۴۱۲ ه‍.ق). الوافیه فی اصول الفقه، تحقیق سید محمدحسین رضوی کشمیری، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
۱۲. فهیمی، عزیزالله و مشهدی، علی، (۱۳۹۳)، اندیشه های حقوق محیط زیست، قم، انتشارات دانشگاه قم، چاپ اول.
۱۳. فهیمی، عزیزالله، مشهدی، علی، (۱۳۸۸)، ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست (از رویکردهای فلسفی تا راهبردهای حقوقی)، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه قم، سال یازدهم، شماره اول.
۱۴. فهیمی، عزیزالله و مشهدی، علی (۱۳۹۰). «فقه شیعه و تحول در مبانی مسئولیت مدنی زیست محیطی»، مقاله ۱۸، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، ۳۱۳-۳۲۶.
۱۵. فیروزی، مهدی، (۱۳۸۴)، حق بر محیط زیست، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، بی جا.
۱۶. قوام، میر عظیم، (۱۳۷۵)، حمایت حقوق کیفری از محیط زیست، تهران، سازمان محیط زیست، چاپ اول.
۱۷. گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی، (۱۳۸۹)، حقوق زیست محیطی بشر، تهران، نشر دادگستر، بی جا.

۱۸. لویی، پویمان، (۱۳۸۴)، اخلاق زیست محیطی، ترجمه گروه مترجمان، تهران، نشر توسعه، جلد اول.
۱۹. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۱)، قواعد فقه: بخش مدنی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، جلد ۹.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۱ق)، القواعد الفقهیه، قم، مدرسه امیرالمومنین (علیه السلام)، جلد ۱۱.
۲۱. موسوی الخویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ه.ق). مصباح الفقاهه، تقریر محمدعلی توحیدی، چاپ چهارم، قم، انصاریان.
۲۲. نجفی، محمدحسن (بی تا). جواهرالکلام فی مسائل الحلال و الحرام، تحقیق شیخ عباس قمی قوچانی، جلد ۳۷ و ۴۳، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
23. coenen , frans (2008), public participation and better environmental, decision, Netherland, 2.

